

# نقش اکراد



## در جغرافیای سیاسی منطقه خاورمیانه

(قسمت اول)

(از جنگ اول جهانی تا جنگ خلیج فارس)

حمیدرضا محمدی  
دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس

در این قسمت بحث عمده در خصوص یکی از مهمترین مسائل جاری خاورمیانه دور می‌زند، هسته مرکزی این بحث درباره مسأله اکراد جایگاه انسانی و جغرافیایی، جریانات ناسیونالیستی، نیل به استقلال یا حداقل خودگردانی و نقش ابرقدرتها و قدرتهای منطقه‌ای در بهره‌برداری از ناسیونالیسم کردی است که در درازمدت تأثیرات عمیقی بر محیط پیرامونی خود بجا خواهد گذاشت.

در حال حاضر بخشهای عمده‌ای از خاک ترکیه، ایران، عراق و سوریه و قسمتهای پراکنده‌ای از خاک اتحاد جماهیر شوروی سابق توسط کردها اشغال گردیده است، سرزمینی که اکراد در آن زندگی می‌کنند تقریباً یک نوار طولانی قوسی شکل با عرض متغیر است که

از شمال‌غربی تا جنوب شرقی یعنی از خلیج اسکندرون تا خلیج فارس امتداد دارد.

\* پروفیسور فون مینورسکی یکی از مستشرقین در مطالعات خود دربارهٔ کُرد و کردستان می‌گوید:

قوم کُرد از شرق (یعنی شرق ایران) به محل کنونی کردستان آمده و ساکن شده و همراه با آنها یک یا چند قوم دیگر کوچ کرده باشند، مانند کاردوها که با آنها مهاجرت نموده و در کردستان مرکزی جا گرفته‌اند و سپس به سایر جاها رفته‌اند.

\* تورودائزین<sup>۱</sup> می‌گوید: این قوم در دو هزار سال پیش از میلاد در اراضی جنوبی دریایچه وان متفرق و به سایر نقاط کردستان آمده‌اند.

\* در آریو<sup>۱</sup> و گزنفون<sup>۲</sup> اظهار می‌دارند، قوم کاردوک که بین دجله تا نزدیک آرات گسترش یافته‌اند، آریائیهای اولیه‌ای هستند که در این ناحیه استقرار یافتند.

غالب مورخین اکراد را در ۲ روایت نگاه می‌کنند:

اکراد غرب یا اکراد آراتی و اکراد شرق یا مادایان یا اکراد خاورزمین. لذا اختلافی در بین دو روایت شرقی و شمالی بودن کرد باقی نمی‌ماند و هر دو درست است. اما کدامیک از این دو قسمت زودتر سکنی گزیده‌اند. هنوز مدرک درستی بدست نیامده است.

ریشه کلمه کُرد (Kurd) مشخص نیست. این کلمه در واقع ایرانی یا فارسی است و در شعر حماسی ساسانیان در کارنامه اردشیر بابکان دیده می‌شود. در میان اعراب نیز، در زمان فتوحات قرن هفتم میلادی، این کلمه را با جمع عربی آن اکراد (Akrad) می‌بینیم. بعضی از محققان عقیده دارند که این کلمه از اسم گوتی (Guti)، یا از کر-د-ک (Kar-da-ka) یا قر-د-ک (Qar-da-ka) ریشه گرفته است.

گزنفون، نام کردوخی (Kard-ukhoi) را برای مردمی که در کردستان کنونی عراق زندگی می‌کنند بکار می‌برد. کردها خود را اخلاف مادها می‌دانند، گرچه بعضی از محققان ادعای کردها را در مورد اینکه از نسل مادها هستند، رد کرده‌اند، اما مدارک جغرافیایی و زبان‌شناختی این ادعاها را اثبات می‌کند. با وجود پراکندگی وسیع قبایل، ویژگیهای اساسی زبان کردی در تمام لهجه‌های این زبان باقی مانده است. این مسئله حکایت از یک زبان نیرومند و باستانی دارد که باز ماندن زبان کشور مادهاست. بطور کلی می‌توان گفت:

۱- کردها از ترکیب ایرانیان شمال‌غربی که از مهاجران شرقی بودند شکل گرفته‌اند و با جذب اقوام بومی زاگرس، اتحاد زبانی را بر آنها تحمیل کرده‌اند.

۲- از نظر زبانی و جغرافیایی مأخذی برای تمایز بین کردها و مادها وجود ندارد.

منطقه کوهستانی آرات که رودخانه‌های دجله و فرات از آن سرچشمه می‌گیرند از قرن‌ها پیش جایگاه زندگی قبایلی بوده که تاریخ بارها به تجانس و همگونی اجتماعی و زبانی آنها اشاره کرده است این قبایل کردها هستند. گرچه کشوری بنام کردستان هرگز وجود

نداشته ولی مسئله‌ای بنام مسئله کرد وجود دارد. کرد کیست؟ شاید چنین پرسشی به زبان احاله شده گفته شود کُرد کسی است که به زبان کردی سخن می‌گوید. اما این جواب قانع‌کننده نیست، زیرا پاسخ منشاء و مبدأ نخستین کُرد را عیان نمی‌سازد، همچنین حدود قلمرو جغرافیایی کردستان را - چرا که گویش کُردی چندان وسیع، پدیده و غنی است که ممکن است اهالی قسمتی از کردستان، زبان اهالی سایر مناطق کردنشین را بخوبی درک نکنند.

اکثر محققین ایرانی معتقدند که زبان کردی از جمله زبانهای رسمی و مهم آریایی ایرانی است با لهجه و گویشهای متفاوت. آنها معتقدند که اگر زبان فارسی به یکبار محو و نابود شود، می‌توان آنرا از روی واژه‌های ایرانی خالص که همان زبان کردی است دوباره زنده و بازسازی کرد. بطوریکه امروزه سنگینی بار فرهنگ فارسی - بیشتر بر دوش افراد کُرد تبار است. استرابون جغرافیدان یونانی می‌گوید: زبان پارسی و ماد از همدیگر مشتق هستند و دارای یک ریشه واحد می‌باشند. وی می‌گوید مادها عشایر کُرد هستند که زبان آنها هند و آریائی است.

دارمیس میستر که در زبان و خط پهلوی معلومات زیادی داشته می‌گوید: زبان پهلوی ریشه و اصل زبان کردی است.

### کردستان کجاست:

با توجه به بحث قبل می‌توان پاسخ داد: که محدودهٔ سرزمینی که اکراد در آن سکنی گزیده‌اند و بوسیله ارتفاعات عظیمی محصور شده است که در اصطلاح عامه از آن بعنوان «زندان طبیعی» نام برده می‌شود.

کردستان به سه قسمت اصلی و چندین قسمت جزئی تقسیم شده است که عبارتند از:

۱- بخش شمالی (ترکیه) ۲- بخش جنوبی (عراق) ۳- بخش شرقی (ایران)

این موقعیت جغرافیایی یک فضای سه بعدی را در منطقه خاورمیانه شکل داده است که استراتژیست‌ها از آن بعنوان مثلث استراتژیک یاد می‌کنند. رأس و قاعده این مثلث فضایی هر کدام به ترتیب، کشورهای فوق را شامل می‌گردد که تفوق هر کدام بر دیگری آشکار نمی‌گردد.

علاوه بر این سه کشور، کردها در سوریه، لبنان، گرجستان، آذربایجان، ارمنستان و سایر جمهوریهای تازه استقلال یافته شوروی سابق و پاره‌ای از کشورهای اروپایی جمعیت قابل توجهی را تشکیل می‌دهند. اما تکاثر و تراکم اصلی اقوام و طوایف کرد در سه کشور فوق می‌باشد.

جمعیت اکراد را بین ۱۴ تا ۲۸ میلیون نفر تخمین زده‌اند. بیش از نیمی از آنها در ترکیه و مابقی در ایران، عراق و سوریه و در صدی هم در کشورهای ارمنستان، نخجوان، ترکمنستان و کشورهای

اروپایی زندگی دارند.

مردم کُرد تنها جامعه ای هستند که با جمعیت چشمگیر و قابل توجهی، علیرغم مبارزاتی که چندین دهه ادامه داشته هنوز بجایایی نرسیده اند. این مسئله ملی از زمان فروپاشی امپراطوری عثمانی پس از جنگ جهانی اول و در پی تقسیم مجدد خاورمیانه، مدام مطرح بوده است. در پرداختن به این مسئله نمی توان حساسیت آنرا نادیده گرفت، که آیا کرد صلاحیت و لیاقت این را دارد که دولت ویژه خود را تشکیل دهد؟ آیا این دولت دوام خواهد آورد؟ آیا چنین دولتی در صورت موجودیت، تبدیل به یک عامل صلح و امنیت در منطقه خواهد شد؟ یا برعکس جزء اینک که وضع ژئوپلیتیکی - ژئواستراتژیکی خاورمیانه را پیچیده تر کند، ثمری نخواهد داشت.

این مسئله برای دهه های متوالی باعث دلمشغولی دولتهای عراق - ترکیه، ایران و تاحلودی سوریه بوده است. و امروزه نیز به موازات مسائل نژادی - سیاسی منطقه قفقاز، این مسئله در آذربایجان، ارمنستان و گرجستان عاملی را در روند تحولات منطقه تشکیل می دهد. درست در زمانی که نژادهایی چون ارامنه برای مدتی طولانی در شرق میانه فاقد یک دولت مستقل بودند امروزه پس از فروپاشی شوروی هم آنها و هم گرجی ها صاحب کشورهای مستقلی شده اند و فلسطینی ها نیز برای گسترش هر چه بیشتر نواحی خودمختار می جنگند و در صدد گشایش باب مذاکراتی هر چه بیشتر برای آینده خود هستند. آرزو داشتن کردستان مستقل یا حداقل خودگردان امروز بیش از هر زمان دیگری دست نیافتنی به نظر می رسد. و اگر منازعه بین گروههای متخاصم کرد در شمال عراق همچنان ادامه پیدا کند، آرزوی فوق تحقق ناپذیرتر خواهد شد.

گرچه کردها به پیشینه رزمندگی خود مباهات می کنند، ولی تحولات سالهای اخیر باعث شده است که جهانیان بیشتر به چشم «قربانی» به آنها نگاه کنند.

عدم حمایت رژیم شاه از ملا مصطفی بارزانی بدنبال انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در پی رها ساختن کردها، کاربرد گازهای کشنده علیه آنان در حلبچه توسط رژیم عراق در مارس ۱۹۸۸ و نیز حمایت غرب از ایجاد یک چتر حمایتی برای کردها در برابر صدام (بالای مدار ۳۶ درجه عرض شمالی) یورش و تعقیب هر چند گاه یکبار نیروهای ارتش ترکیه به شمال عراق شواهدی بارز بر این مدعا هستند و تصویر کردها را به مثابه قربانی پررنگ تر کرده است.

از آنجائیکه اکثر اکراد در مناطق شرق و جنوب شرقی ترکیه، شمال و شمال شرقی عراق، شمال و شمالغربی ایران و شرق و شمالشرقی سوریه ساکن هستند از قرون وسطی همواره سعی داشته اند ابراز وجود کنند، با هم باشند، تشکیل جامعه دهند، و از نظر آب و خاک مشترک باشند. آنها در طول تاریخ، تحت سیطره امپراطوری های ارمنستان، یونان، بیزانس، اعراب، ترکیه، ایران و عثمانی زیستند. تا اینکه سرانجام امپراطوری عثمانی نیز در پایان

جنگ جهانی اول سقوط کرد. بر اساس بندهای ۶۲ و ۶۴ پیمان سورس که در ۱۹۲۰ به امضاء رسید به کردها وعده داده شده که می توانند سرزمین مستقلی از آن خود داشته باشند. در سال ۱۹۱۵ که ارامنه بیرون رانده شدند و به قتل رسیدند. اکراد بین خود و ترکها بدون واسطه ماندند. زیرا ارامنه بمنزله واسطه ای بیطرف بین آنها عمل می کردند. و در مقابله با ناسیونالیسم قدرتمند ترکیه و ایران تنها ماندند. آنها همچنین قربانی سیاستهای قدرتهای بزرگ آن زمان یعنی انگلیس و روسیه شدند که هر دو همکاری با یکدیگر را در ارتباط با حمایت از ایران و ترکیه به نفع خود می دیدند. از آنجائیکه انگلیس و روسیه خواهان ایجاد روابط خوبی با ترکیه و ایران بودند به سرکوب جنبش های ناسیونالیستی اکراد ایران و ترکیه رضایت دادند. بطوریکه در سال ۱۹۲۵ مقاومت اکراد هم در ایران و هم در ترکیه شکسته شد و بدنبال آن فعالیتهای فرهنگی - سیاسی ممنوع گردید. متعاقب آن هر دو کشور قوانینی را از تصویب گذراندند که به موجب آن آزادی بیان از اکراد سلب گردید. تنها کشوری که طی سالهای بین جنگ جهانی اول و دوم از این قاعده مستثنی بود، عراق است.

عراق تا سال ۱۹۲۰ تحت سلطه انگلیس قرار داشت و در سال ۱۹۳۲ به استقلال دست یافت اما تا سال ۱۹۵۸ همچنان تحت سلطه انگلیس ماند. سیاست انگلیس در طول این مدت حمایت از ناسیونالیسم کردی بوده نه حمایت از استقلال آنها و این بهترین وسیله برای کنترل عراق بشمار می آمد. سیاست انگلیس بعنوان قدرت حاکم خاورمیانه در آن زمان این بود که از کردها بصورت قبیله غیر عرب با اختصاص ۱۵ تا ۲۰٪ کل جمعیت عراق به خود، بعنوان وسیله ای برای ایجاد توازن در برابر دول عرب سنی تبار بغداد استفاده کند. تا بغداد در برابر لندن سر تعظیم فرود آورد.

از طرف دیگر انگلیس قصد داشت از ناسیونالیسم کردها بعنوان تهدید یا حداقل ارباب علیه ترکیه و ایران استفاده کند تا مخالفان منافع انگلیس در منطقه بایکوت شوند. بخاطر همین سیاستهای انگلیس بود که امروزه کردهای عراق نسبت به اکراد ترکیه و ایران از اختیارات فرهنگی بیشتری در رابطه با آزادی بیان، انتشار مطبوعات به زبان کردی و شرکت در اداره مناطقی که خود در آن مناطق سکونت دارند، برخوردارند. هر چند بحرانهای دهه گذشته این حقوق را به حداقل خود رسانده است و ظلم و ستم و سرکوب فرهنگی - سیاسی از جانب حکومت مرکزی عراق بر آنها تحمیل گردیده است.

پس از انقلاب ژوئیه ۱۹۵۸ حاکمیت انگلیس بر عراق پایان یافت بدون حمایت انگلیس اکراد به تنهایی در مقابل دولت قرار گرفتند، بطوریکه هر چند گاه یکبار جنگهای میان اکراد و دولت عراق بروز نمود. دو جنگ بزرگی که آنها تجربه کردند یکی بخاطر امضای پیمان الجزایر در سال ۱۹۷۵ میان عراق و ایران بود. براساس این پیمان عراق به ایران در ارونلدود حق کشتی رانی می داد. ضربه بدتر انهدام حدود ۸۰۰ روستای کردنشین در مرزهای عراق با ایران و ترکیه است. این روستاها به منظور تشکیل یک کمربند امنیتی با خاک یکسسان

شدند. عبارت دیگر به منطقه ای تبدیل شد که دیگر هیچ قبیله ای از اتباع کرد ترکیه - ایران و عراق نتوانند در آنجا اسکان یابند.

دومین فاجعه در ارتباط با اکراد عراق، تصمیم رهبری آنها در اوائل سال ۱۹۸۸ مبنی بر افزایش حمایت نظامی از ایران ناشی می شود. این اقدام دست حکومت عراق را باز گذاشت تا روستاهای بیشتری توسط دولت عراق ویران شود. احتمال می رود از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۸ بیش از ۳۰۰۰ روستا و براساس برخی ارقام دیگر تا ۴۰۰۰ روستای کردنشین ویران شده باشند.

در اوت ۱۹۸۸ پس از آتش بس عراق و ایران - بغداد ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ نیروی را بطرف اکرادی روانه ساخت که فکر می کردند در طول جنگ به ایران وفادار بوده اند. با این اقدام ۱۰۰۰۰۰ کرد دیگر را وادار نمودند تا به ترکیه بگریزند. شمار زیادی را در شهر حلبچه مورد حملات شیمیایی قرار داد. و حدود ۲۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ را از محل سکونتشان به سایر نقاط عراق رانده شدند، عده ای را هم کوچ اجباری دادند و حدود ۱۰۰۰۰۰ یا بیشتر را کشته و یا بعبارت دیگر قربانی نمودند.

گرچه جنگ در جنوب شرقی ترکیه جان بسیاری را گرفته و توجه زیادی از جهانیان را به خود مشغول داشته است. ولی شدداد وارده بر کردهای عراق در طول ربع قرن گذشته به آن میزان باعث جلب توجه خارجهای نشده است. عراق به دلایل متقن متهم به اعمال شدیدترین یورشها علیه مناطق کردنشین شده است. جالب آنکه عراق در فرایند استقلال کردها طولانی ترین راه را پیموده و حتی در سالهای اخیر ناخواسته تن به خودمختاری کردها داده است.

در سال ۱۹۸۹ بار دیگر مشکل کردهای عراق در پی مسئله آوارگان بروز کرد. تجاوز نیروهای ارتش عراق به خاک کویت (۱۹۹۰) و تصرف آن کشور و نیز شکست عراق بدست نیروهای مؤتلفه به رهبری ایالات متحده (۱۹۹۱) و رق بار دیگر برگشت. در پایان جنگ اکراد دست به شورش زدند. اتحادیه میهنی و حزب دمکرات با یکدیگر به رقابت پرداختند و حتی شبه نظامیان طرفدار دولت (جاش) نیز به سختی شکست خوردند. آتش شورش در کردستان عراق بطور یکپارچه شعله ور شد و به شهر نفت خیز کرکوک نیز سرایت کرد. منطقه ای که هیچیک از رژیمهای حاکم بر عراق هرگز، زیر بار واگذاری آن بر کردها نرفته بودند.

شواهد حاکیست یکی از دلایلی که ایالات متحده حاضر نشد از قیام کردهای عراق در آن سال حمایت کند، ترس از دلخوری ترکیه از این ماجرا بود. پشتیبانی احتمالی امریکا باعث طرفداری این دولت از تشکیل یک کردستان مستقل در عراق و در نتیجه تشویق کردهای ترکیه به جدایی طلبی بود. این دلایل در مسئله عدم حمایت امریکا از شورش شیعیان جنوب عراق نیز صدق می کند. بخشی از عدم پشتیبانی امریکا، ترس از برپایی یک رژیم شیعی طرفدار ایران و بخش دیگر ترس آن دولت از رنجش متحد اصلی خود یعنی عربستان

سعودی مربوط می شود. مطلب اینجاست که کردها و شیعیان در مجموع  $\frac{۳}{۴}$  جمعیت عراق را تشکیل می دهند و این می توانست رژیم صدام را ساقط نماید.

از طرف دیگر نیروهای بعثی در پاسخ به این شورشها با آخرین امکانات نظامی به مقابله برخاستند - کرکوک را پس گرفتند و اقدام به اخراج دستجمعی کردها به سمت خاک ترکیه کردند - ترکها که در باتلاق هجوم ۲۵۰ هزار کرد جدید فرو رفته بودند به غرب اجازه دادند تا بطور محدودی در این قضیه دخالت کنند. نتیجه این کار انجام عملیات امداد رسانی برای حمایت کردها از طریق جلوگیری از پرواز هواپیمای عراق بر فراز شمال مدار ۳۶ درجه و نیز استقرار نیروی موسوم به «چکش تعادل» در خاک ترکیه بود تا مجری عملیات امداد رسانی و نیز پشتیبانی از منطقه تحت حمایت سازمان ملل متحد باشد - در طول سال ۱۹۹۱ نیروهای ارتش عراق (بدون پوشش هوایی) و نیز کردها چشم به یکدیگر دوخته و در واقع همدیگر را می پاییدند. تا اینکه:

در ماه ژوئیه، کردها، شهر مهم سلیمانیه را که در جنوب منطقه استقرار نیروهای متحد قرار داشت، به تصرف خود درآوردند.

جبهه کردستان سعی کرد تا مذاکراتی با رژیم بغداد داشته باشد. ولی نتیجه کمی از این مذاکرات عاید طرفین شد. صدور هر گونه اعلامیه استقلال منوط به حمایت و رضایت نیروهای متفق است. در مه ۱۹۹۲ کردها برای خودگردانی، مستقلاً اقدام به برگزاری انتخابات کردند. تصور می رفت که انجام این انتخابات به دشمنی بین جناحهای بارزانی - طالبانی خاتمه داده و سرانجام معلوم شود که چه کسی دست برتر را در این جریان دارد. اما نتیجه تساوی آراء را در برداشت. همین طور میان گروههای اسلامی و سایر احزاب ناگزیر ائتلافی بوجود آمد. و در نتیجه قوه مجریه و نیز پارلمان تشکیل شد، به هر ترتیب می توان گفت، کارکرد این تشکیلات بستگی تمام به توافق اتحاد میهنی و حزب دمکرات دارد.

عامل دیگری که به این پیچیدگی و اوضاع آشفته می افزاید، ورود (حزب کارگران کردستان) یا پ. ک. ک. به صحنه است. این حزب از فرصتهای بعد از جنگ دوم خلیج فارس استفاده کرد تا بتواند پایگاههای خود را در عراق بوجود آورد. در ۱۹۹۲ ترکیه به شمال غربی تجاوز نمود تا بتواند با حزب دمکرات کردستان که مناطق مرزی را تحت کنترل داشت وارد معامله شده و علیه پ. ک. ک. به جنگ بپردازد. که بطور مستمر هر چند گاه یکبار این لشگرکشی بدون مانع منطقه ای و جهانی صورت می پذیرد.

باز در آوریل ۱۹۹۵ تهاجم شدید ارتش ترکیه علیه پ. ک. ک. آغاز شد. اینبار ترکها بدنال جبهه میهنی کردستان و حزب دمکرات کردستان بودند تا با برقراری آتش بس بین آنها از وجودشان علیه پ. ک. ک. استفاده کنند. معضلی سیاسی که دولت ترکیه تاکنون با آن مواجه بوده است.